

سلام کودکانه

آقای آتش نشان، خسته نباشید!

سلام. دیروز روز آتش‌نشانی بود. شنبه از طرف مدرسه، ما رو برای بازدید به یک پایگاه آتش‌نشانی بردند. خیلی جالب بود. ما اون جا با وظایف آتش‌نشانی‌ها آشنا شدیم. وقتی آتش‌سوزی می‌شه، یکی تو آسانسور گیر می‌کنه یا کسی توی چاله می‌افته، باید بدون معطلی با ۱۲۵ تماس بگیریم. اون وقت نیروهای آتش‌نشانی با ماشین آتش‌نشانی آژیرکشون خودشون رومی‌رسونن و به مردم کمک می‌کنن. آتش‌نشانی‌ها افزون بر این که خیلی قوی هستن خیلی هم مهربونن. خسته نباشین آتش‌نشانی‌های فداکار.

ارسال نقاشی، قصه، خاطره، عکس و ...

📞 ۰۹۳۵۱۴۳۹۱۴۵۷۶ 📠 ۰۰۰۹۹۹



سرگرمی

جدول الفبا

نام ۹ چیزی که آتش‌نشانی‌ها با آن‌ها سروکار دارن در جدول روبه‌رو آمده‌است. آن‌ها را پیدا کنید.
(راهنمایی: کلمات از بالا به پایین یا از راست به چپ مرتب شده‌اند.)

د	ک	م	ا	س	ک
ف	پ	ت	ژ	ت	ل
ا	س	ب	ی	ل	ا
ت	و	ر	ر	ف	ه
ش	ل	ن	گ	ن	ز
ن	ج	ل	ی	ق	ه

شعر

لونه قمری

چند روزیه که قمری
کار زیادی داره
می‌ره و از تو باغچه
شاخه و چوب میاره

می‌چینه شاخه‌ها رو
روی درخت خونه
با چوب‌های شکسته
اون جا می‌سازه لونه

خونه قمری ما
کوچیکه و یه خوابه
چه جوری با جوجه‌هاش
تو این لونه می‌خوابه!؟

شاعر: مریم زارعی



شهر قصه

کفش‌ها دیگه قهر نیستند

دختر کوچولو کفش‌های نارنجی‌اش را پوشید و بدو بدو به حیاط رفت که یک دفعه زمین خورد و صدای جیغ و گریه‌اش به هوا رفت. یک صدایی گفت: «آروم باش. چیزی نشده. بی خودی مامانت رو نگران نکن.» دختر کوچولو ساکت شد تا ببیند صدا از کجاست. صدا گفت: «من این‌جام. اگه سرت رو پایین بیاری من رو می‌بینی»
دختر کوچولو سرش رو خم کرد. دید لنگه کفشش با او صحبت می‌کنه.
با گریه گفت: «چطور چیزی نشده؟ بین زانوم خراشیده شده. تازه پام درد می‌کنه.» کفش نارنجی گفت: «خب تقصیر خودته.

می‌خواستی ما رو اشتباهی پات نکنی. بین وقتی مامانت ما رو پاش می‌کنه موقع راه رفتن زمین نمی‌خوره. تازه هر کسی هم ما رو می‌بینه با خودش می‌گه: این کفش‌ها چقدر

با هم دوستن ولی وقتی خودت ما رو پات می‌کنی، انگار ما کفش‌ها با هم دعوا کردیم و قهریم. سریکی از ما سمت راسته سر اون یکی دیگه هم سمت چپه. زود باش ما رو در بیار و درست بپوش. من نارنجی سمت راستم یعنی باید من رو پای راستت کنی.»

آن یکی کفش هم گفت: «من نارنجی سمت چپم یعنی باید من رو هم پای چپت کنی.» دختر کوچولو کفش‌هایش را درآورد و بعد دوباره اشتباهی پوشید. کفش‌های نارنجی جیغ کشیدند: «نه نه. دوباره اشتباه کردی» دختر کوچولو خندید و گفت: «می‌خواستم باهاتون شوخی کنم.» بعد کفش‌هایش را درست پوشید. کفش‌ها نفس راحتی کشیدند. ماما به حیاط آمد.

با تعجب به کفش‌های دختر کوچولو نگاه کرد و گفت: «کی کفش پات کرده؟» دختر کوچولو به کفش‌هایش نگاه کرد، خندید و گفت: «خود خودم»

نویسنده: آرزو مصطفی



دانستنی‌ها

آشنایی با زبان اشاره

سلام

دست رو شبیه سلام
نظامی کنار پیشانی قرار
می‌دین و بعد به سمت
بیرون حرکت می‌دین.



دوست دارم

دست‌تون رو در حالی که مشت کردین، روی سینه بگذارین و آروم ضربه بزنین. چهره گشاده شما وقتی همراه با این حرکت باشه، نشون دهنده علاقه شما به فرد مقابل هست.



خوبین؟

جدای از حالت چهره شما که باید سوالاتی باشه، دست‌تون رو در حالی که انگشتان‌تون از هم بازه از بالا به سمت پایین حرکت بدین و وقتی پایین آمد، انگشتان دست باید بسته بشه.



ممنون!

کف دست رو در حالی که انگشتان باز هستن، روی سینه خودتون بگذارین و سر رو به کنار خم کنین. یادتون نشه حالت چهره شما نیز باید نشون بده که در حال تشکر کردن هستین.

این من هستم

یک بازیگر متفاوت

اسم من «**مجتبی شکری**» است و هشت سالمه.

من هم مثل خیلی از شماها فوتبال و البته بازی‌های رایانه‌ای رو خیلی دوست دارم. در کنار این کارها، البته بازیگری رو هم دوست دارم. امسال هم تونستم در یک فیلم بازی کنم. بقیه میگن من خیلی خوب می‌تونم اطرافم رو ببینم و دقتم در نگاه کردن بالاست. فکر کنم حق هم با اون‌ها باشه. آخه من نمی‌تونم خوب بشنوم و برای ارتباط با بقیه از زبان اشاره استفاده می‌کنم. همین هم باعث شده تا من در نگاه کردن قوی بشم. زبان اشاره چیه؟ در این زبان به جای حرف زدن، با کمک دست‌ها و صورت‌مون نشانه هر کلمه رو به نمایش در میاریم تا بقیه بتونن منظور ما رو بفهمن. من در خونه با ماما و برادرم همین طوری ارتباط برقرار می‌کنم. وقتی هم که برای بازی کردن فیلم رفته بودم، دو نفر که زبان اشاره بلد بودن به من کمک می‌کردن تا حرف‌های کارگردان رو متوجه بشم. من دوست دارم وقتی بزرگ شدم، باز هم فیلم بازی کنم. البته در کنارش نقاشی و فوتبال رو هم دوست دارم.



مجتبی در فیلم «بی صدا، حلازون»



برشی از ویدئوی مربوط به فیلم «بی صدا، حلازون» به مناسبت هفته جهانی ناشنوایان بچه‌ها مجتبی یه پیام برای شما داره، از پدر و مادرتون خواهش کنین با گوشی تلفن‌شون کیوآر مقابل رو اسکن کنن تا متوجه پیام مجتبی با زبان اشاره بشین.

با تشکر از آقای بهرنگ دزفولی‌زاده، کارگردان فیلم